

بررسی اشتغال زنان از منظر قرآن و حدیث

علیرضا لطفی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۲۵

چکیده

اشتغال در جوامع کنونی بی شک از مسائل دغدغه انگیز بوده و ارتباط تنگاتنگی با معیشت و مسائل خانوادگی افراد داشته و از اهمّ امور به حساب می‌آید. اشتغال زنان به دلیل کثرت جمعیت زنان، یا تحصیلات عالیه ایشان، همچنین زنانی که به دلایل عدیده اجتماعی بار زندگی خود و فرزندانشان را به دوش گرفته‌اند، ضروری می‌نماید با تکیه بر آموزه‌های دینی و دستوره‌های الهی جهت سازمان دهی به وضعیت اشتغال زنان به راه‌های عملی و مبتنی بر اصول دینی دست یافت. از این رو مقاله حاضر بر آن است مسأله اشتغال زنان را با توجه به آیات و احادیث مختلف از قرآن و ائمه (ع) مورد بحث و بررسی قرار دهد. جهت انجام این پژوهش نیز با مراجعه به قرآن و کتب حدیث، و با رویکردی که مد نظر نگارنده است به موضوع مورد بحث پرداخته شده است. نتیجه مترتب بر این بررسی نیز حاکی از این واقعیت است که نقش زن فقط مادری و همسری نبوده، بلکه با انجام این دو نقش مقدّس می‌تواند عضو مؤثری در جامعه باشد و فعالانه در جامعه به کار بپردازد.

کلیدواژگان: اشتغال، زن، مادر، همسر، قرآن.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در تبیین مسأله پژوهش کنونی باید اشاره نمود که زن به عنوان عضوی از اعضای جامعه در راستای عمل به وظیفه اجتماعی خویش دوشادوش مردان باید در مسائل مختلف حضور یابد. چراکه برای توسعه و پویایی جامعه نمی‌توان از نقش ارزنده‌ای که نصف یا بیش‌تر جمعیت آن می‌تواند ایفا نماید، چشم‌پوشی کرد. این مسأله که زنان به عنوان اعضای یک جامعه باید در ارتقای آن نقش ایفا نمایند؛ نظریه‌ای نیست که اندیشمندان مکاتب مختلف انسانی آن را ارائه کرده باشند. نگاهی اجمالی به تاریخ اسلام و به خصوص به تاریخ شیعه و نقشی که زنانی مثل حضرت خدیجه و فاطمه و زینب(س) و حتی زنانی از انصار مثل سمیه در مقاطع مختلف ایفا نموده و تأثیرات خاص خود را در زمان حیات خویش و چه در طول تاریخ در روند اجتماعی جامعه مسلمانان گذاشته‌اند، به خوبی نشان می‌دهد که در اسلام و به خصوص در شیعه، زن نقش اجتماعی و حتی سیاسی غیر قابل انکاری در تحولات جامعه داشته است و از این منظر باید به اشتغال زن و چگونگی آن از منظر قرآن و حدیث نگریست.

موضوع اشتغال زنان در خارج از خانه و پذیرفتن مسئولیت‌های اجتماعی و استقلال اقتصادی همواره مورد اختلاف محققین و اندیشمندان اسلامی بوده است و با توجه به اینکه انقلاب اسلامی برای برقراری ارزش‌های اسلامی در جامعه ایران و انتشار آن‌ها در سطح جهان به وجود آمده و متأسفانه در سطح جهان مذاهبی همچون وهابیت و حکام به ظاهر اسلامی برخی از کشورهای عربی چهره مناسبی از اسلام به خصوص در رابطه با حقوق زنان ارائه ننموده‌اند و از طرف دیگر برخی دیدگاه‌های سنتی و عرفی در ایران که باقیمانده دوران قبل از اسلام می‌باشد، هنوز در جامعه ما در برخی از شهرها و روستاها رواج دارد. هدف اصلی از مطالعه و بررسی این پژوهش با این هدف معنا یافته است که نسبت به ارائه چهره‌ای مطلوب انسانی - اسلامی از زن در جامعه کنونی اقدام شود. بدیهی است در این شرایط زنان جامعه ما با الگوبرداری از آن، که کاملاً نشأت گرفته از مضامین و دستورات دینی است در تکامل خویش و جامعه همدوش با مردان جامعه نقش اساسی ایفا خواهند نمود. مقاله کنونی با رویکرد توصیفی - تحلیلی خود و با تکیه بر نقل مصادیق مرتبط با موضوع، در صدد پاسخ به این پرسش است که در آموزه‌های

اسلامی برای زنان کارکردی اجتماعی و ساحتی مستقل جهت تأمین معیشت و استقلال مالی وجود دارد؟ پیش فرضی هم که برای این سؤال به ذهن متبادر می‌شود، این است که همچون سایر تعالیم دین مبین اسلام که آحاد بشر فارغ از جنسیت، دارای جایگاهی باکرامت هستند که در این چارچوب زنان نیز فی نفسه از کرامت نفس برخوردار بوده و در هنگام نبود همسر یا حمایت کننده‌ای که بتواند امور روزمره ایشان را تأمین نماید، به تنهایی دارای این حق هست که بتواند به اشتغال بپردازد و در جهت رفع نیازهای خود و با حفظ شئون اخلاقی و انسانی به کسب درآمد و انجام کار اشتغال داشته باشد.

اطلاق سفارش به کار برای مردان و زنان

کار و تلاش علاوه بر اینکه به حکم عقل و سیره و تلاشگران یک امر مختص زن یا مرد نیست، از نظر دین و قرآن نیز یک تکلیف عام به شمار آمده است و آیات و احادیث این موضوع را برای پیروان خویش توصیه می‌کنند. چنانکه در آیه شریف می‌خوانیم:

﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا بَرَأَ إِلَيْكُمُ تَقْلِحُونَ﴾ (جمعه/۱۰)

«و چون نماز گذارده شد، در [روی] زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جويا شوید و خدا را بسيار ياد کنید، باشد که رستگار گردید»

پس با توجه به آیه می‌توان گفت که بعد از ارتباط با خدا، جهت کسب فضایل و نعمت‌های الهی به تلاش و کوشش سفارش می‌کند.

در «تفسیر نمونه» اینگونه آمده است که «گرچه جمله ﴿ابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ﴾ یا تعبیرات مشابه آن در قرآن مجید شاید غالباً به معنی روزی و کسب و تجارت آمده است، ولی روشن است که مفهوم این جمله گسترده است و کسب و کار یکی از مصادیق آن است، لذا بعضی آن را به معنی عیادت مریض و زیارت مؤمن یا تحصیل علم و دانش تفسیر کرده‌اند، هرچند منحصر به این‌ها نیز نمی‌باشد. ناگفته پیداست که امر به (انتشار در زمین) و (طلب روزی) امر وجوبی نیست، بلکه به اصطلاح (امر بعد از خطر) و نهی است و دلیل بر جواز می‌باشد، ولی بعضی از این تعبیر چنین استفاده کرده‌اند که تحصیل روزی بعد از نماز جمعه مطلوبیت و برکتی دارد و در حدیثی آمده است که

پیامبر(ص) بعد از نماز جمعه سری به بازار می‌زد. جمله ﴿وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا﴾ اشاره به یاد خداست در برابر آن همه نعمت‌هایی که به انسان ارزانی داشته و بعضی (ذکر) را در اینجا به معنی (فکر) تفسیر کرده‌اند آنچنان که در حدیث آمده: «تَفَكَّرَ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ»: «یک ساعت اندیشیدن از یک سال عبادت بهتر است».

بعضی نیز آن را به مسأله توجه به خدا در بازارها و به هنگام معاملات و عدم انحراف از اصول حق و عدالت تفسیر کرده‌اند ولی روشن است که آیه مفهوم گسترده‌ای دارد که همه این‌ها را در بر می‌گیرد. این نیز مسلم است که روح ذکر (فکر) است و ذکر بی فکر لقلقه‌زبانی بیش نیست و آنچه مایه فلاح و رستگاری است همان ذکر آمیخته با تفکر در جمیع حالات است. اصولاً ادامه (ذکر) سبب می‌شود که یاد خدا در اعماق جان انسان رسوخ کند و ریشه‌های غفلت و بی‌خبری را که عامل اصلی هرگونه گناه است بسوزاند و انسان را در مسیر فلاح و رستگاری قرار دهد و حقیقت لعلکم تفلحون حاصل گردد (مکارم شیرازی: ۴۵/۲۴).

چنانکه در آیه‌ای از قرآن برای رفاه و توسعه زندگی انسان‌ها، آن‌ها را به تلاش دعوت می‌کند. از جمله آیه شریفه:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاءُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُسْمَعُونَ﴾
(روم/۲۳)

«و از نشانه‌های [حکمت] او خواب شما در شب و [نیم] روز و جست‌وجوی شما [روزی خود را] از فزون بخشی اوست. در این [معنی نیز] برای مردمی که می‌شنوند، قطعاً نشانه‌هایی است»

لذا با تدبّر در آیه می‌توان گفت که خداوند شب و روز را جهت کسب روزی و استراحت قرار داده برای مردمی که اهل عقل و خرد هستند.

در تفسیر آیه می‌توان به بحث «تفسیر المیزان» اشاره کرد که «نخست پدیده خواب را به عنوان یک پدیده مهم آفرینش و نموداری از نظام حکیمانه آفریننده آن مورد توجه قرار داده می‌گوید: «از آیات او خواب شما در شب و روز است و نیز تلاش و کوشش شما برای بهره‌گیری از فضل پروردگار و تأمین نیازمندی‌های زندگی»: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاءُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ﴾ و در پایان می‌افزاید: «در این امور آیات و نشانه‌هایی است برای

آن‌ها که گوش شنوا دارند ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ﴾. این حقیقت بر هیچ کس پوشیده نیست که همه موجودات زنده برای تجدید نیرو و بدست آوردن آمادگی لازم برای ادامه کار و فعالیت نیاز به استراحت دارند استراحتی که به طور الزامی به سراغ آن‌ها بیاید و حتی افراد پرتلاش و یا حریص را ناگزیر به انجام آن سازد. چه عاملی برای وصول به این هدف بهتر از خواب تصوّر می‌شود که الزاماً به سراغ انسان می‌آید و او را وادار می‌کند که تمام فعالیت‌های جسمانی و بخش مهمی از فعالیت‌های فکری و مغزی خویش را تعطیل کند تنها دستگاه‌هایی از جسم همانند قلب و ریه و بخشی از فعالیت‌های مغزی که برای ادامه حیات لازم است به کار خود ادامه می‌دهند آن‌هم بسیار آرام و آهسته. این موهبت بزرگ الهی سبب می‌شود که جسم و روح انسان به اصطلاح سرویس شود و با بروز حالت خواب که یک نوع وقفه و تعطیل کار بدن است. آرامش و رفع خستگی حاصل گردد و انسان حیات و نشاط و نیروی تازه‌ای پیدا کند. مسلماً اگر خواب نبود روح و جسم انسان بسیار زود پژمرده و فرسوده می‌شد و بسیار زود پیری و شکستگی به سراغ او می‌آمد، به همین دلیل خواب متناسب و آرام، راز سلامت و طول عمر و دوام نشاط جوانی است. قابل توجه اینکه اولاً خواب را قبل از «ابتغاء فضل الله» که در آیات قرآن به معنی تلاش برای روزی است قرار داده، اشاره به اینکه پایه‌ای برای آن محسوب می‌شود چراکه بدون خواب کافی «ابتغاء فضل الله» مشکل است. ثانیاً درست است که خواب معمولاً در شب است و تلاش معاش در روز، اما چنان نیست که انسان نتواند این برنامه را به هنگام لزوم تغییر دهد، بلکه خداوند انسان را چنان آفریده که می‌تواند برنامه خواب خود را تغییر داده و بر ضرورت‌ها و نیازها منطبق سازد. تعبیر به «منامکم باللیل والنهار» گویا اشاره به همین نکته است. بدون شک برنامه اصلی خواب مربوط به شب است و شب به خاطر آرامشی که از تاریکی پدید می‌آید اولویت خاصی در این مورد دارد اما گاه شرایطی در زندگی انسان پیدا می‌شود که مثلاً مجبور می‌شود شبانه سفر کند و روز استراحت نماید اگر برنامه تنظیم خواب در اختیار انسان نبود چه مشکلی پیش می‌آمد، اهمیت این مطلب خصوصاً در عصر ما که بسیاری از مؤسسات صنعتی و پزشکی و درمانی مجبورند به طور مداوم و در تمام شبانه روز کار کنند و تعطیل برنامه‌های آن ممکن نیست و لذا کارگران در سه نوبت به کار می‌پردازند از هر

زمان دیگری روشن تر است. در پایان آیه به عنوان تأکید می‌افزاید: «در این امور آیات و نشانه‌هایی است برای جمعیتی که تعقل و اندیشه می‌کنند»: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ آن‌ها هستند که می‌فهمند در این برنامه حساب شده دست قدرتی در کار است که آن را رهبری و هدایت می‌کند و هرگز نمی‌تواند معلول تصادف‌ها و ضرورت‌های کور و کر باشد (طباطبایی: ۵۶/۲۴).

برای تبیین هرچه بیش‌تر موضوع به چند مورد از آیات الهی اشاره می‌گردد: «آیات خداوند که با «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» و یا «یا أَيُّهَا النَّاسُ» است، افراد مختلف را مورد خطاب قرار می‌دهد و هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نشده است؛ و چنانکه در آیه شریفه می‌فرماید:

﴿لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَعِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ﴾ (آل عمران/۱۹۸)

«کسانی که پروای پروردگارشان را پیشه ساخته‌اند باغ‌هایی خواهند داشت که زیر [درختان] آن نهرها روان است. در آنجا جاودانه بمانند؛ [این] پذیرایی از جانب خداست، و آنچه نزد خداست برای نیکان بهتر است» و آیات دیگری نیز اشاره به بهره‌برداری از زمین است که می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾ (اعراف/۱۰)

«و قطعاً شما را در زمین قدرت عمل دادیم، و برای شما در آن، وسایل معیشت نهادیم، [اما] چه کم سپاسگزاری می‌کنید»

و در آیه‌ای دیگر اشاره دارد به اینکه:

﴿هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَنْفِرُوهُ﴾ (هود/۶۱)

«و شما را از زمین پدید آورد و در آن شما را استقرار داد»

و باز در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

﴿وَالْأَرْضَ وَصَّعَهَا لِلْأَنَامِ﴾ (الرحمن/۱۰)

«و زمین را برای مردم نهاد»

برای درک بیش‌تر به تفسیر این آیات، در مجموعه نظری به نظام اقتصادی اسلام آمده است که «توصیه به کسب و کار و رابطه ربوبیت الهی را با کسب مال بیان می‌دارد

که از نعمت‌های خداوند استفاده کنید و خطابشان کلی است و شخص خاصی را مورد خطاب قرار نداده‌اند. بر اساس این آیات مشخص می‌شود که کسب روزی حلال و تلاش در کار برای زن و مرد سفارش شده است که هر کدام بنا بر ظرفیت خود بار سنگین زندگی را به دوش بکشند و در فعالیت‌ها شرکت کنند تا زندگی سعادت‌مندی داشته باشند» (مطهری: ۴۶).

این مسأله چنان حائز اهمیت است که در جهان و انسان از دیدگاه قرآن آمده است که «در بینش الهی علاوه بر تلاش و کار انسان، دست قدرت الهی در کار است؛ اوست که روزی را کم و زیاد می‌نماید. گاهی تلاش و تصمیمات انسان را بی نتیجه و یا کم اثر می‌کند. ما در عین اینکه تلاش می‌کنیم، اما طراح رزق و روزی تنها خداست؛ مثلاً ما دانه را به زمین می‌افشانیم اما سبز شدن و خوشه کردن و نتیجه دادن و مقدار آن به دست خداست، آری تلاش ما نقش دارد و ما مأمور به کار و کوشش هستیم کار ما نتیجه پیش بینی شده‌ای نمی‌دهد، زیرا نتیجه و مقدار آن مربوط به اراده خداوند است. ما تنها شرایط را آماده می‌کنیم و خداوند در آن شرایط و زمینه‌های روزی ما را قرار می‌دهد و تهیه شرایط غیر از تهیه رزق است» (قرائتی: ۶۰-۶۱).

در روایات فراوانی به نقش تلاش و کوشش در جلب رزق اشاره شده است و بعضاً موارد بسیاری در خصوص لزوم کار و تلاش معاش وارد گشته است. در برخی روایات، تلاش معاش البته از راه مشروع هم‌ردیف مجاهده در راه خدا شمرده شده و در روایاتی از تلاش معاش اهل بیت (ع) - حتی با عدم وجود نیاز - جهت جلب رضای الهی سخن رفته است که در اینجا به ذکر چند مورد از روایات می‌پردازیم.

در «اصول کافی» حدیثی از امام جعفر صادق (ع) آورده است که «عَلِيَّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حِمَادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (کلینی: ۸۸/۵): «کسی که برای خانواده‌اش زحمت بکشد، مانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند».

و نیز امام رضا (ع) در این رابطه می‌فرمایند: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ آدَمَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا (ع) قَالَ أَلْدَى يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا يَكْفِي بِهِ عِيَالَهُ أَكْبَرُ مِنْ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»

وَجَلَّ «همان: ۸۹/۵»: «کسی که طلب روزی می کند از فضل خداوند با عزّت و جلال آن چیزی که برای تأمین مخارج خانواده اش از جهاد در راه خداوند با عزّت و جلال و پاداشش بیش تر است».

و فرمایش گهربار حضرت ابوالحسن (ع) به مصادف که فرمود: «مُحَمَّدٌ وَغَيْرِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ هِشَامِ بْنِ أَحْمَرَ قَالَ كَانَ أَبُو الْحَسَنِ (ع) يَقُولُ لِمُصَادِفٍ غَدَاً إِلَى عِرْكَ يَعْني السُّوقِ» (همان: ۱۴۹/۸): «فردا صبح به سوی عزّت برو؛ یعنی به بازار برو».

از فضل بن ابی قره نقل شده که «وَعَنْ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَةَ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَهُوَ يَعْمَلُ فِي حَائِطٍ لَهُ فَقُلْنَا لَهُ جَعَلْنَا فِدَاكَ دَعَانَا نَعْلَمَهُ لَكَ أَوْ يُعَلِّمَهُ بَعْضَ الْعِلْمَانِ فَقَالَ لَا دَعُونِي فَإِنِّي أَشْتَهِي أَنْ يَرَانِي اللَّهُ أَعْمَلُ بِيَدِي وَأَطْلُبُ الْحَلَالَ فِي أَدَى نَفْسِي»: «گفت: داخل شدم بر امام صادق (ع) در حالی که او در شبستان خودش کار می کرد گفتیم: فدایت گردیم اجازه بده آن کار را یا ما یا بعضی از غلامان برایت انجام دهند. پس فرمود: نه، مرا رها کنید (کاری با من نداشته باشید) پس من دوست دارم (می خواهم، خداوند عزّ و جلّ مرا در حالی که با دستانم کار می کنم و روزی حلال طلب می نمایم ببیند».

و نیز در «وسایل الشیعه» حدیثی نقل شده از حضرت علی (ع) که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُؤْمِنَ الْمُحْتَرِفَ» (حرّ عاملی: ۱۳/۱۲): «خداوند مؤمنی را که دارای حرفه است و بدان اشتغال دارد، دوست دارد».

و در «میزان الحکمه» آمده است که حضرت علی (ع) می فرمایند: «الْكَسَلُ يُفْسِدُ الْآخِرَةَ» (ری شهری: حدیث ۱۵۲/۱۷۶۶۲): «تنبل آخرت را فاسد می کند».

و نیز امام باقر (ع) می فرمایند: «الْكَسَلُ يُفْسِدُ بِالْدِينِ وَالْدُنْيَا» (همان: حدیث ۱۷۶۵،۵۲): «تنبل به دین و دنیا ضرر می رساند».

و حدیث نبوی معروفی که در تعلیم و تربیت در اسلام آمده است که امام باقر (ع) می فرمایند: «مَلْعُونٌ مَنْ الْقَى كَلَّهُ عَلَى النَّاسِ» (مطهری: ۲۷۶): «هر کسی که بیکار بگردد و سنگینی [معاش] خود را بر دوش مردم بیندازد، ملعون است و لعنت خدا شامل اوست».

در احادیث ذکر شده است که «وقتی در حضور مبارک رسول اکرم (ص) درباره کسی سخن می‌گفتند که فلانی چنین و چنان است، حضرت می‌پرسید کارش چیست؟ اگر می‌گفتند کار ندارد، می‌فرمود: «سَقَطَ مِنْ عَيْنِي» (همان): «در چشم من دیگر ارزشی ندارد». استاد مطهری آورده‌اند که «کار از نظر سازندگی فرد امر لازمی است. انسان یک موجود - به یک اعتبار - چند کانونی است. انسان جسم دارد، انسان قوه خیال دارد، انسان عقل دارد، انسان دل دارد، انسان... کار برای جسم انسان ضروری است، برای خیال انسان ضروری است برای عقل و فکر انسان ضروری است، و برای قلب و احساس و دل انسان هم ضروری است، اما برای جسم کم‌تر احتیاج به توضیح دارد، زیرا یک امر محسوس است. بدن انسان اگر کار نکند مریض می‌شود؛ یعنی کار یکی از عوامل حفظ الصحه است» (مطهری: ۷۸۸/۲۲). و نیز در «تفسیر نمونه» آمده است: «اسلام مرد و زن را از لحاظ تدبیر شئون به وسیله اراده و کار مساوی می‌داند. بنابراین زن می‌تواند مانند مرد مستقلاً اراده کند، مستقلاً کار کند و مالک نتیجه کار و کوشش خود شود، و نفع و ضرر کارش مربوط به خودش می‌باشد. و خداوند برای زن دو چیز را مقرر داشته که او را به وسیله آن دو صفت ممتاز و مشخص ساخته است، یکی آنکه زن به منزله کشتزار است که نوع انسانی به وسیله او تکون یافته و نشو و نما می‌نماید و بقائش به وجود او بستگی دارد و دوم آنکه وجود زن مبنی بر لطافت و حساسیت است و این امر در احوال و وظایف اجتماعی او تأثیر دارد» (مکارم شیرازی: ۷۲/۴). از بررسی آیات و احادیث و همچنین روایات فوق به این نتیجه می‌رسیم که کار کردن و کار داشتن از نظر پیشوایان اسلام مقدس است و نیز خود ائمه مشتاق به انجام کار بودند و برای اینکه شیوه زندگی را برای مردم نشان دهند اذعان داشتند که دوست دارند خداوند آنان را در حال کار و عرق ریزی در راه کسب حلال ببیند. با این اوصاف می‌توان نتیجه گرفت که کار و کسب حلال از عبادات بزرگ به شمار می‌رود.

اشتغال زنان در قرآن و حدیث

قرآن کریم کسب و تلاش اقتصادی زنان و مردان را تأکید کرده و مالکیت آنان را بر آن مترتب ساخته است. در واقع قرآن کریم، به صراحت، به حق اشتغال زنان پرداخته

است، استقلال آنان در احراز منافع مالی و اکتساب فضایل انسانی مورد تأکید واقع شده است:

﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ (نساء/۳۲)

«برای مردان از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است، و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است. و از فضل خدا درخواست کنید، که خدا به هر چیزی داناست»

در «مفردات» می‌خوانیم: «واژه «نصیب» مشتق از «نصب» به معنای سهم و بهره معین آمده است» (راغب اصفهانی: ۴۳۸).

در «تفسیر نور» در تفسیر این آیه آمده است: «عدالت، غیر از تساوی است و تفاوت غیر از تبعیض است. باید آرزوی عدالت داشت ولی تمنای یکسان بودن همه چیز و همه کس نابجاست. اعضای یک بدن، اجزای یک ماشین، کوچکی و بزرگی لباس‌ها و امثال آن، تفاوت‌هایی است که حکیمانه است. اگر خداوند، در افکار، آفریده‌ها، سهم ارث‌ها، همه را یکسان نساخته طبق عدالت و حکمت اوست و در اموری که به دست ما نیست، مثل زیبایی، استعداد، بیان، هوش، مقام، نبوت، طول عمر و... باید به تقسیم و تقدیر الهی راضی بود و بر دارندگان این نعمت‌ها حسد نورزید، چراکه با فزونی هر نعمتی، مسئولیتی بیش‌تر است و با هر نعمتی، غمی همراه است. این حقیقت را در نهج البلاغه می‌خوانیم در موارد اختیاری، باید با کوشش و تلاش و پرهیز از کسالت و تنبلی، در رقابتی سالم به قوت و کثرت و استقلال رسید و اجازه استثمار و استعمار به دیگران نداد (قرائتی: ۳۲۲/۲).

پس باید گفت به جای تمنای آنچه دیگران دارند، در پی کسب و تلاش بروید (نصیباً مِمَّا اكْتَسَبُوا...) هم کار، هم دعا (اكتسبوا...) هر یک از زن و مرد، نسبت به دستاوردهای خود مالک‌اند (لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ، لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ) (همان).

و نیز در «تفسیر نمونه» چنین آمده است: «راغب اصفهانی در مفردات، ۴۳۰ یادآور شده که کلمه «اكتساب» در بدست آوردن فایده‌ای استعمال می‌شود که انسان خودش از آن استفاده کند، و معنای کلمه (کسب) از معنای اکتساب عمومی‌تر است، هم آن را

شامل می‌شود و هم آنچه را که برای غیر به دست می‌آورد. نتیجه می‌دهد که این جمله همان نهی سابق یعنی نهی از تمنا را بیان می‌کند، و به منزله تعلیلی برای آن است، می‌فرماید: آنچنان آرزو که گفتیم در دل راه مدهید، برای اینکه هر مزیتی مخصوص صاحب آن مزیت است، اگر مثلاً مرد دارای مزیت ارث دو برابر است، به خاطر نفسیتی است که خاص اوست، و خلاصه به خاطر این است که مرد خلق شده، و به خاطر اعمالی است که بدن او انجام می‌دهد، مردان اگر می‌توانند مثلاً چهار زن بگیرند، و زنان نمی‌توانند بیش از یک شوهر داشته باشند، برای این است که مردان در مجتمع بشری موقعیتی دارند، که اقتضای چنین مزیتی دارد، و زنان آن موقعیت را ندارند، و اگر در ارث دو برابر زنان ارث می‌برند، باز به همین جهت است، و همچنین زنان اگر نصف سهم مردان ارث می‌برند، در عوض خرج زندگی‌شان به عهده مردان است، و در امر ازدواج، زنان مخصوص شده‌اند به گرفتن مهر و مردان نباید مهریه بگیرند به خاطر موقعیت خاصی است که زنان دارند. این از نظر موقعیت خلقتی زن و مرد، از نظر اعمال بدنی نیز چنین است، اگر مرد و یا زن از راه عمل چیزی به دست می‌آورد خاص خود او است، و خدای تعالی نمی‌خواهد به بندگان خود ستم کند.

از اینجا روشن می‌شود که مراد از اکتساب در آیه نوعی حیازت و اختصاص دادن به خویش است، اعم از اینکه این اختصاص دادن به وسیله عمل اختیاری باشد، نظیر اکتسابی از راه صنعت، و یا حرفه و یا به غیر عمل اختیاری، لیکن بالأخره منتهی شود به صنعتی که داشتن آن صنعت باعث این اختصاص شده باشد (مکارم شیرازی: ۵۳۴/۴-۵۳۵).

و نیز پیشوایان علم لغت، هر چند که درباره دو واژه کسب و اکتساب گفته‌اند که هر دو مختص‌اند بدان جایی که عمل به اختیار آدمی انجام شود، همچنان که واژه طلب و امثال آن مختص به این گونه موارد است، لیکن این تفاوت را بین دو واژه گذاشته‌اند که در کلمه (کسب) معنای جمع کردن خوابیده، و بسیار می‌شود که کلمه (اکتساب) در امور غیر اختیاری استعمال می‌شود، مثلاً می‌گویند فلانی با خوشگلی خود شهرت اکتساب می‌کند، و از این قبیل تعبیرات. و در آیه مورد بحث بعضی از مفسرین اکتساب را به همین معنا تفسیر کرده‌اند ولی به نظر ما اگر در آیه این معنا را می‌دهد، از باب

استعمال حقیقی نیست، بلکه مجازی و از باب تشبیه و استعاره است. و اما اینکه مراد از اکتساب در آیه شریفه آن چیزی باشد که آدمی با عمل خود به دست آورد، و در نتیجه معنای آیه چنین شود، آرزو مکنید آنچه را که مردم با صنعت و یا حرفه‌ای که دارند به دست آورده‌اند، چون مردان از آنچه با عمل خود به دست می‌آورند نصیب دارند، و زنان نیز از آنچه با کار خود به دست می‌آورند بهره مند هستند. این معنا هرچند که فی نفسه معنایی درست است، لیکن باعث می‌شود که دایره معنای آیه تنگ شود، و از این گذشته رابطه‌اش با آیات ارث و نکاح قطع گردد. و به هر حال پس معنای آیه بنا بر بیانی کردیم این می‌شود: «آرزو مکنید که شما نیز آن برتری‌ها و مزایای عالی و غیر مالی که دیگران دارند و خدای تعالی یکی از دو طایفه شما مردان و زنان را به آن اختصاص داده به شما نیز بدهد، و خلاصه مردان آرزو نکنند ای کاش مزایای زنان را می‌داشتند، و زنان نیز آرزو نکنند ای کاش مزایای مردان را داشتند» برای اینکه این فضیلت بدون جهت به صاحبان آن داده نشده، یا صاحب فضیلت آن را با نفسیت اجتماعی خود به دست آورده، و یا با عمل اختیاری‌اش یعنی تجارت و امثال آن، و معلوم است که هر کس هر چیز را کسب کند از آن بهره‌ای خواهد داشت، و هر کس هر بهره‌ای دارد به خاطر اکتسابی است که کرده (همان: ۴/۵۳۶).

در «تفسیر نمونه» کلمه «اکتساب» که به معنی تحصیل کردن و بدست آوردن است، مفهوم وسیعی دارد، هم کوشش‌های اختیاری را شامل می‌شود، و هم آنچه را که انسان به وسیله ساختمان طبیعی خود می‌تواند به دست بیاورد (مکارم شیرازی: ۳/۴۰۵).

پس می‌فرماید: به جای آرزو کردن این گونه تفاوت‌ها، از فضل خدا و لطف کرم او تمنا کنید که به شما از نعمت‌های مختلف و موفقیّت‌ها و پاداش‌های نیک ارزانی دارد. و در نتیجه افرادی خوشبخت و سعادت‌مند باشید خواه مرد باشید یا زن، و خواه از این نژاد یا نژاد دیگر، و در هر حال آنچه را خیر واقعی و سعادت شما در آن است بخواهید نه آنچه شما خیال می‌کنید (همان).

بنابراین با توجه به بررسی تفاسیر متعدّد در این مورد می‌توان گفت که زنان نمی‌توانند آرزو کنند که ای کاش مرد بودند، و یا مردان نمی‌توانند آرزو کنند که ای کاش زن بودند، زیرا این دو جنس اساس نظام اجتماع انسانی هستند، و نباید این تفاوت

جنسیت سبب شود که یکی از این دو جنس حقوق دیگری را پایمال کند. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾ (توبه/۷۱)

«مردان و زنان باایمان، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و امی دارند»

در تفسیر آیه فوق آمده است: «مردان و زنان باایمان دوست، ولی و یار و یاور یکدیگرند» پس مؤمنان هستند که مردم را به نیکی‌ها دعوت می‌کنند، مردم را از زشتی‌ها، بدی‌ها و منکرات باز می‌دارد، نماز را بر پا می‌دارند» (همان).

در «تفسیر المیزان» آمده است: «مردان و زنان باایمان اولیای یکدیگرند، تا منافقین بدانند نقطه مقابل ایشان مؤمنین هستند که مردان و زنانشان با همه کثرت و پراکندگی افرادشان همه در حکم یک تن واحدند، و به همین جهت بعضی از ایشان امور بعضی دیگر را عهده دار می‌شوند. و به همین جهت است که هر کدام دیگری را به معروف امر می‌کند و از منکر نهی می‌نماید. و این به خاطر ولایت داشتن ایشان در امور یکدیگر است - آن هم ولایتی که تا کوچک‌ترین افراد اجتماع راه دارد - که به خود اجازه می‌دهند هر یک دیگری را به معروف و داشته و از منکر باز دارد» (طباطبایی: ۴۵۵/۹).

و نیز در «تفسیر نور» آمده است: «مؤمنان در جامعه اسلامی، نسبت به یکدیگر از طرف خداوند، حق ولایت و نظارت همراه با محبت دارند و بی تفاوت نیستند، امر به معروف و نهی از منکر که بر همه مردان و زنان باایمان واجب است، برخاسته از حق ولایت بر یکدیگر است، امر به معروف و نهی از منکر باید از موضع قدرت باشد نه ضعف. ایمان در اصلاح فرد و جامعه نقش بسزایی دارد و زن و مرد هر دو، در اصلاح جامعه تأثیر گذارند» (قرائتی: ۱۰۴/۵).

بنابراین مردان و زنان مؤمن اجزای یک مجموعه اسلامی را تشکیل می‌دهند و در قبال دیگران مسئولیت دارند، اگر زنان همیشه در خانه می‌ماندند، وظیفه مهم امر به معروف و نهی از منکر که رأس همه مسائل است زمین می‌ماند. حتی در مسأله جهاد و دفاع مسلحانه درست است که بر عهده مردان می‌باشد ولی این حکم مخصوص زمانی است که مردان به قدر کافی باشند و گرنه زنان نیز باید پا به پای مردان مبارزه کنند.

در قرآن کریم به نمونه‌هایی از اشتغالات زنان برخورد می‌کنیم که با توجه به نوع بیانات قرآنی در استنباط مطلب، کافی و وافی می‌نماید. هدف قرآن از ذکر قصص و الگوها، معرفی شخصیت‌هاست و نه اشخاص و از این رو، به معرفی الگوهای مناسب برای پیروی، و یا شخصیت‌هایی منفی برای پرهیز از نوع رفتارشان می‌پردازد.

برای نمونه در «تفسیر المیزان» به این مطلب اشاره شده است که: «آیات قرآنی به اشتغال دختران حضرت شعیب پیامبر(ع) در نگهداری از گوسفندان اشاره می‌نماید که در آن زمان بنا به بیان قرآن از مشاغل مردان محسوب می‌شد و از این رو، آنان سعی می‌نمودند که از اختلاط با همکاران مرد خویش پرهیز کنند و گوسفندان خود را پس از آن‌ها آب دهند تا در ضمن رعایت تقوای الهی، به وظیفه خود عمل نموده باشند».

﴿وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصَدِرَ الرِّعَاءَ وَأُبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ﴾ (قصص/۲۳)

«و چون به آب مدین رسید، گروهی از مردم را بر آن یافت که [دام‌های خود را] آب می‌دادند، و پشت سرشان دو زن را یافت که [گوسفندان خود را] دور می‌کردند. [موسی] گفت: منظورتان [از این کار] چیست؟ گفتند: [ما به گوسفندان خود] آب نمی‌دهیم تا شبانان [همگی گوسفندانشان را] برگردانند، و پدر ما پیری سالخورده است»

کلمه «تذودان» تشبیه «تذود» است و آن مضارع است از ماده «ذود» که به معنای حبس و منع است، و مراد از آن، این است که آن دو زن گوسفندان خود را از اینکه به طرف آب بروند، و یا از اینکه با گوسفندان مردم مخلوط شوند، جلوگیری می‌کردند، همچنان که مراد از کلمه «یسقون» آب دادن به گوسفندان و چهارپایان است و کلمه «رعاء» به معنای چوپان است، که کارش چرانیدن گوسفندان می‌باشد. وقتی حضرت موسی(ع) به آب «مدین» رسید، در آنجا جماعتی از مردم را دید که داشتند گوسفندان خود را آب می‌دادند و در نزدیکی آن‌ها دو نفر زن را دید که گوسفندان خود را از اینکه به طرف آب بروند، جلوگیری می‌کردند، موسی(ع) از راه استسفار و از اینکه چرا نمی‌گذارند گوسفندان به طرف آب بیایند و از اینکه چرا مردی هم‌پای گوسفندان نیست، پرسش کرد، و گفت: «ما خطبکما»؟ چه می‌کنید؟ گفتند: ما گوسفندان خود را آب

نمی‌دهیم تا آنکه چوپان‌ها از آب دادن گوسفندان خود فارغ شوند، یعنی ما عادت‌مان این طور است، و پدرمان پیرمردی سالخورده است، او نمی‌تواند خودش متصدی آب دادن به گوسفندان باشد، و لذا ما این کار را می‌کنیم (طباطبایی: ۳۳/۱۶).

در مجموعه زن در داستان‌های قرآن آورده‌اند که: «این تصادف که موسی را با دختران شعیب آشنا می‌کند، تقدیری است سعادت آمیز، که مرد گریزان بی‌پناهی را که متهم به جنایت و آدم‌کشی است، تا درجه یک پیغمبر نجات دهنده‌ای که چوبدستی چوپانی‌اش از ده‌های دمانی است بالا می‌برد» (آریان: ۷۶).

و نیز در «تفسیر نور» به این مطلب اشاره شده است: «حمایت از زنان یک ارزش انسانی است و حریم میان زن و مرد یک ارزش است که دختران شعیب آن را مراعات می‌کردند. دختران پیامبر خدا با اینکه چوپانی می‌کردند اما هرگز تن به ذلت و گدایی نمی‌دادند و همچنین می‌شود گفت که کار زن در خارج از منزل اشکالی ندارد، به شرط آنکه:

- ۱- زن در محیط کار، تنها نباشد.
- ۲- با مردان اختلاطی نداشته باشد.
- ۳- مردی که توان کار داشته باشد، در خانواده نباشد.
- ۴- وقتی پدر و نان آور خانواده از کار می‌افتد، همه فرزندان حتی دختران نیز مسئول هستند (قرائتی: ۳۷/۹)

پس با توجه به تفاسیر این آیه، می‌توان گفت که دختران شعیب پیامبر در آن زمان به کارهایی از قبیل چوپانی، آب دادن به حیوانات مشغول بودند و در صحرا و بیرون از خانه وظیفه خود را انجام می‌دادند که این مسأله به ما می‌فهماند چنانچه سرپرست زنان ناتوان از کار و تحصیل معاش باشند باید زنان بدان اقبال کنند. البته ذکر این نکته ضروری است، درست است که آن‌ها بیرون از خانه کار می‌کنند، اما هرگز نباید با مردان مختلط شوند و باید در محلی دور از مردان به کارشان مشغول شوند.

و در جای دیگر می‌خوانیم: «اشتغال زنان در عصر پیامبر (ص) به شکلی گسترده به چشم می‌خورد و در تمامی شغل‌های رایج آن زمان، زنان حضور داشتند. از جمله خدیجه (س) که به کار تجارت اشتغال داشت و همین حرفه موجب آشنایی او با

پیامبر(ص) و پیوند آنان گشت. آن بانوی بزرگوار از بازرگانان معروف و سرشناس عربستان و کشورهای همجوار بود»(مصطفوی: ۱۰۴).

در زمان پیامبر(ص) زنان بسیاری در خارج از منزل به کار اشتغال داشتند و پیامبر(ص) مانع آنها نشد؛ از جمله در «صحیح بخاری» از قول *اسماء دختر ابوبکر* و همسر *زبیر بن عوام* آمده است که گفت: اسب *زبیر* را علوفه می‌دادم و زحمت‌های آن را بر عهده گرفته و آموزش را اداره می‌کردم، هسته خرما را برای شترش خرد می‌کردم و به آن علوفه می‌دادم و آبیاری می‌کردم و از زمین *زبیر* که پیامبر(ص) در مسافت یک سوّم فرسخ از مدینه به وی داده بود هسته خرما را روی سر می‌نهادم و به خانه می‌آوردم.

این دلیل بر این است که انجام شغل و کار شریف و متناسب با او برایش جایز است. باز در «صحیح مسلم» به نقل از *انس بن مالک* آمده است: «پیامبر(ص) ام سلیم و زنانی از انصار را با خود به جنگ برده بود که به جنگ جویان آب می‌دادند و زخمیان را مداوا می‌نمودند».

و نیز به نقل از *انس* آمده است که گفت: «من خود عائشه ام المؤمنین دختر ابو بکر صدیق و ام سلیم را دیدم که در جبهه جنگ دامن به کمر زده بودند و ساق پای‌شان را می‌دیدم که مشک آب بر دوش حمل می‌کردند و آن را در دهن جنگ جویان خالی می‌نمودند سپس برمی‌گشتند و دوباره مشک‌ها را پر از آب می‌کردند و همان کار اول را تکرار می‌نمودند(همان).

و باز در «صحیح مسلم» آمده است که *ام سلیم* در جنگ *حنین* خنجرى نیز با خود حمل می‌کرد کرد. *ابوطلحه* به پیامبر(ص) خبر داد که *ام سلیم* خنجرى با خود دارد، پیامبر(ص) به وی گفت: این خنجر چیست؟! گفت: این خنجر را با خود دارم که اگر یکی از مشرکان به من نزدیک شود شکمش را پاره کنم. پیامبر(ص) با لبخند خود او را تشویق کرد(همان).

در «اسد الغابة» آورده است: «*زینب دختر جحش* به صنایع دستی اشتغال داشت. زنی به نام *زینب پزشک* قبیله بنی داوود بود و *مریضان* را مداوا می‌کرد و زنانی بسیار به امر شبانی و دامداری و کشاورزی اشتغال داشتند مانند *سلامه* و *ام هانی* که از راه چرانیدن گوسفندان و دریافت مزد از صاحبان آنها امرار معاش می‌کردند و همچنین

زنانی چون قبیله که به امّ بنی انمار مکتبی معروف است به تجارت اشتغال داشتند» (جزری: ۵/۵۶۵).

و نیز زنی به نام امّ زیاد / شجعیه که از زنان مسلمان دلیر و جنگجو بود، از آن شش نفر زنی است که در جنگ خیبر به کمک لشکر مسلمانان با نیروی جبهه مخالف نبرد می‌کرد، با داروهای خود مجروحان و زخم خوردگان را مداوا می‌کرد و نیز مهمّات ارتش را نگهداری نموده و بین سربازان توزیع می‌نمود. پیغمبر (ص) در موقع تقسیم غنائم برای وی سهمی منظور داشت (همان: ۵/۵۸۴).

و باز در «اسد الغابه» آمده است: «ربیع دختر معوذ بن عفراء زنی بود عالم و کامل، پارسا و باتقوا و در عین حال شجاع و رزمنده که در اکثر جنگ‌ها در رکاب پیامبر (ص) بوده و به سربازان کمک می‌کرده است. به ویژه کار آب دادن به سربازان را که خود در آن روزگار کاری مشکل بود، به عهده گرفته بود. علاوه بر این، مأمور انتقال مجروحان و کشته شدگان نیز بود» (همان).

در مجموعه «زن در آئینه جمال و جلال» اشاره نموده است که «امیمه دختر قیس بن ابی صلت غفّاری راوی بود و احادیث فراوانی از رسول اکرم (ص) نقل می‌نمود. او دلسوز رزمندگان بود و در جنگ‌ها حضور و برای مداوای مجروحان و تخلیه شهداء سهم مؤثر و بسزایی داشت» (جوادی آملی: ۲۶۴).

همچنین در این زمینه در «زن زیباترین گل آفرینش» می‌خوانیم: «نسیبه که به امّ (امّ عمار) معروف گردید و مادر دو شهید است در زمان رسول خدا (ص) در تمام جنگ‌های پیامبر (ص) برای آب دادن و مداوای مجروحین حضور نزدیک داشت. و همچنین امّ سنان از زنانی بود که در جنگ خیبر با کمک همسر پیامبر (ص) به نام امّ سلمه) برای آب دادن و مداوای مجروحین شرکت داشت». و یا «پیرزنی بود که در عهد خلیفه دوم شیرفروشی می‌کرد و عمر به او برخورد و او را نصیحت کرد. حوّاّت دختر جبیر روغن می‌فروخت. زینب عطاره، شغلش فروش لوازم آرایش زنان بود، همین شغل را ملیکه دختر اقرع ثقفیه و اسماء دختر محزبه نیز داشتند» (حجّتی: ۲۶۷).

همچنین زنی به نام زینب ثقفیه که صنعتگر بود پاره‌ای از صنعت و ساخته‌های خود را می‌فروخت و زندگی روزمره خود و شوی و فرزندانش را اداره می‌کرد و نیز آنچه را از

راه کسب صنعت به دست می‌آورد، در راه خدا انفاق می‌کرد، تا آنجا که همه زر و زیور خود را هم در این راه داد(همان).

در اینجا به ذکر نمونه‌ای که در مجموعه «زن در داستان‌های قرآن» آمده است، می‌پردازیم از جمله: «ملکه سبا، بلقیس می‌باشد که رهبری و زعامت ملّتی را بر عهده داشت و با هشیاری و عدالت، به خوبی از عهده امور دنیوی و اخروی آن‌ها برمی‌آمد و در پی فراهم ساختن موجبات سعادت آن‌ها بود، در عین آنکه با ایمان آوردن به حضرت سلیمان(ع)، پیامبر اسلام، خود به سعادت نائل گردید»(آریان: ۹۶).

خداوند متعال در آیه شریفه میفرماید:

﴿إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ﴾ (نمل/۲۳)

«من [آنجا] زنی را یافتیم که بر آن‌ها سلطنت می‌کرد و از هر چیزی به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت»

ولی شیطان بر او و قومش چیره شده و کارهای‌شان را در دیدگاهشان آراسته و خوب جلوه داده و از راه حق منصرفشان کرده است و خورشید را به جای خدا سجده می‌برند و هدایت نشده‌اند.

«بانوی مزبور(بلقیس)- علی‌رغم کسانی که زن را ذاتاً سقیه و نادان و نابخرد می‌دانند و می‌گویند زن از دیدگاه اسلام و در جوامع مذهبی به طور ناچیزی، طرف توجّه قرار گرفته و اسلام زمینه را برای رشد و پرورش استعدادهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی که در نهادشان خفته و نهفته است مساعد و فراهم نکرده و نخواستہ آن همه استعدادها شکوفا شود- زنی است خردمند و فرزانه و مال اندیش که در کارهای اجتماعی و سیاسی و اداره مملکت دارای اطلاعات و معلومات بسنده‌ای است تا آنجا که از همه رجال و مشاورین بهتر می‌توانست از آن نیروی فعال و مؤثّری که در نهاد داشت، استفاده کند.

و نیز- علی‌رغم کسانی که می‌گویند زن موجودی عاطفی است و احساسش بیش از عقلش در امور اجتماعی دخالت می‌دهد، پس باید از این امور برکنار باشد- به ما می‌فهماند که اگر محیطی در جامعه اسلامی برای پرورش او ایجاد شود بدان سان که او را به ارزش‌های انسانی خود واقف و معتقد کنند، می‌تواند در اینگونه امور با شرایط حکومت دموکراسی و حفظ عقّت و عصمت دخالت کند. بنابراین، باید محیطی مناسب

برای رشد ارزش‌ها و شکوفا شدن استعدادهای نهفته او به وجود آورد تا در مجرای صحیح و درست از آن‌ها بهره برداری شود» (همان: ۹۷).

در مجموعه «زن در آئینه جمال و جلال» اشاره شده است که «نمونه‌های این قضایا به صورت‌های گوناگون برای حضرات مسیح و خلیل و بسیاری از انبیای ابراهیمی (ع) تکرار شده است تا نوبت به ملکه سبا رسید. او نامه‌ای از حضرت سلیمان که وعده‌اش با وعید آمیخته و تهدیدش با نوید همراه بود، دریافت کرد و برای پذیرش حق آماده شد؛ در حالی که آن زن، قدرت‌ش از سلاطین دیگر کم‌تر نبود، اما عاقل‌تر از بسیاری از مردها بود» (جوادی آملی: ۲۴۳).

در مجموعه «چهره زن در آئینه قرآن و تاریخ» اینطور بیان شده است: «زن ذاتاً خداپرست و موحد و تسلیم حق است، ولی فشارها و محرومیت‌ها و نظام‌های خلاف نظام اسلامی او را به بی دینی و بی بند و باری سوق می‌دهد نه اسلام» (فهییم کرمانی: ۲۳).

در مجموعه «زن از منظر اسلام» در این مورد چنین آمده است: «پرداختن قرآن به داستان ملکه سبا و حکومت او در قرآن کریم تصدی زن را در بالاترین قدرت در جامعه اسلامی بیان می‌کند و از آن به خوبی یاد شده و مورد نقد و ذمّ قرار نگرفته است. از سوی دیگر آیات قرآنی وی را فردی اهل رأی و نظر و شور و مشورت و حق طلب معرفی می‌کند. چراکه وقتی نامه سلیمان به او رسید با درایت به حلّ مشکل پرداخت و به سلیمان گروید. بسیاری از صاحب‌نظران به این داستان تمسک جسته و تصدی زن را در بالاترین مناصب سیاسی روا دانسته‌اند» (مصطفوی: ۱۰۳).

«به هر حال قرآن کریم این داستان را برای نمونه طرح می‌کند و اگر مردان بسیاری به صلاح و فلاح رسیده‌اند، مردانی هم به فساد و افساد و هلاکت نسل انسان‌ها و حرث آن‌ها دست یازیده و بسیاری از مردم بی گناه را کشته‌اند، اما این زن شجاع بسیاری از خون‌ها را حفظ کرد. بر اساس همین خردمندی و حق جویی، زنان فراوانی در صدر اسلام پیش از مردان خانواده‌ای خود ایمان آوردند و گفتند: اسلام آوردیم به رسول خدا و خدا که پروردگار جهانیان است» (جوادی آملی: ۲۴۶).

حضور زن در مسائل اجتماعی و سیاسی، مانند مرد است و نیز زن، نه تنها می‌تواند برای استحقاق حقّ پایمال شده به محکمه‌های حاکمان عدل یا زور برود و حامی حقوق

خود یا دیگران باشد، بلکه موظف است حمایت حقوق دیگران را کاری معروف بداند و دفاع از حقوق شخص، منهای حقوق جامعه را امری منکر تلقی کند. با این تفکر و بینش، دیگر نباید گفت که چون ایمان زن کم است یا عقلش ناقص است، نباید در امور سیاسی دخالت یا از حقوق جامعه دفاع کند.

فاطمه(س) در تاریخ اسلام چهره برجسته و شخصیت ارجمندی دارد، البته نه تنها به خاطر اینکه دختر پیامبر، یا همسر علی(ع) است، و نه تنها به خاطر اینکه مادر ائمه اطهار است، بلکه از این نظر که او در جایگاه یک زن - آن هم در تاریک‌ترین دوران تاریخ - که زن از نازل‌ترین نقش اجتماعی برخوردار بود - رسالتی را به انجام رسانید و شوری در اجتماع زنان و جامعه بی فروغ آنان برانگیخت. بانویی که خطبه‌های بلیغ او در حمایت از مقام ولایت در تاریخ، جاوید مانده و خطابه‌های پرارزش دخت او، زینب کبری(س) نیز در دربار/بن زیاد و یزید اثر ماندگار دیگری در تاریخ اسلام گردیده است.

در مجموعه «چهره زن در آیینه قرآن و تاریخ» چنین آمده است: «سفارشات و احترام رسول اکرم(ص) نسبت به حضرت زهرا(س) مانند ورود به خانه حضرت علی(ع) در ابتدای مراجعت از سفر و خروج از خانه حضرت زهرا(س) به عنوان آخرین منزل برای شروع سفر به طور علنی در انظار بعضی از مهاجر و انصار خودمانی مثل سلمان انجام می‌شد، نشان دهنده لیاقت و احترام به حضرت زهرا(س) و نشان دهنده مقام ارزشمند زن در جامعه اسلامی است. شاید باقی ماندن نسل پیامبر اکرم(ص) از طریق صدیقه کبری(س) در حالی که پیامبر، ابراهیم و فرزندان دیگری داشت، نیز اشاره به ارزش و موقعیت زن در اسلام باشد و این افتخار بر زن مسلمان بس است که فرزندان رسول خدا(ص) از طریق دختر وی منتقل شد. خداوند با این تقدیر، ارزش و مقام زن را به مسلمانان گوشزد می‌کند. پیامبر اکرم(ص) نیز در موقعیت‌های مختلف تاریخ، زن را در جایگاه اصلی و مناسب او قرار داد که نمونه‌هایش در تاریخ اسلام، بسیار است(فهیم کرمانی: ۳۸).

حضرت زهرا(س) با سخنرانی خود در مسجد پیامبر، خطاب به ابوبکر و با حمایت از ولایت و رهبری علی(ع)، شرکت زن را در مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی به عنوان یک وظیفه الهی تثبیت کردند و برای جامعه‌های مسلمان، در طول تاریخ،

روشن ساختن که زن دارای حقوقی معادل مرد است و تفاوت‌هایی که اسلام در ارث، طلاق و امثال آن برای زن قائل شده است، دلیل محرومیت زن از حقوق اجتماعی مساوی با مرد نیست، گذشته از اینکه وجود این تفاوت‌ها مربوط به خلقت زن و مرد یا جهات طبیعی دیگری است. به طور مثال، اختلاف در ارث بین زن و مرد، مربوط به نیاز مالی آن دو است، زیرا مرد مخارج زندگی و نفقه زن را به عهده دارد، در حالی که زن چنین خرجی به عهده‌اش نیست (همان: ۶۵).

به شهادت تاریخ اگر شماره زنان دانشمند در علوم و فنون در روزگار اولیه اسلام، و زنان شاعره و ادیب، از مردان روزگار خود زیادتر نباشد کم‌تر نیست، بلکه به گفته *ابوالفضل احمد بن ابی طاهر صاحب کتاب «بلاغات النساء»*، کلمات فصیح و بلیغه، و لطیفه‌ها و کلمات شیرین زنان از مردان به مراتب بیش‌تر بوده است تا آنجا زنان صدر اسلام داخل اجتماع بوده که پاره‌ای از آنان به عنوان شخصیت‌های بارز علمی بنیانگذار تاریخ و حدیث و فرهنگ اسلامی شده‌اند! زنانی که روزگار حیات رسول خدا (ص) را درک کرده از آن حضرت نقل روایت نموده‌اند. اینان نیز به نوبه خود در نشر معارف اسلامی سهم بسزائی داشته، مبدأ ترقی و پیشرفت فرهنگ اسلامی برای نسل‌های بعد از خودشان شده‌اند. برای نمونه برخی از زنان برگزیده روزگار خود پیغمبر (ص) را در اینجا می‌آوریم تا شاهد صدق بر مدعیان گردد (همان).

این موضوع در صحیح آمده است که «حفصه دختر سیرین می‌گوید: - روزی زنی در خانه بنی خلف وارد شده بود، من به دیدن او رفتم، آن زن داستانی نقل می‌کرد که: - خواهر من شوهری دارد که دوازده غزوه با پیامبر (ص) بوده و در آن‌ها به دستور پیامبر (ص) در لشکر مسلمانان نبرد می‌کرده است و خواهرم نیز در شش غزوه از این غزوه‌ها با شوهرش همراه بوده است، سپس، اضافه کرد که: - ما زنان مسلمان در امور بیماران رسیدگی می‌کنیم، و زخم خوردگان را مداوا می‌کنیم. آنگاه نقل کرد که: خواهرم از پیامبر (ص) پرسید: - اگر زنی پوششی که خود را بیوشاند نداشته باشد، آیا مانعی دارد که از منزل بیرون نیاید و در امور خیر اسلامی شرکت نکند؟! پیامبر (ص) - نه، دوستش باید او را از لباس‌های خود بیوشاند، آنگاه در کارهای خیر و در دعوت مؤمنان حاضر شود...» (بخاری: ۱۱۵/۳).

در جای دیگر می‌خوانیم: «رفیده که از زنان انصار است، در آن روزها که جنگ خندق شروع شده بود، در مسجد خیمه‌ای زده و آنجا را مطب خود قرار داده بود. هر کس زخمی می‌شد او را بدانجا می‌بردند تا «رفیده» او را معالجه کند. برای مثال وقتی سعد بن معاذ در آن جنگ به وسیله تیر زخمی شد و از پای درآمد پیغمبر(ص) فرمود: «او را به خیمه رفیده ببرید تا خود از نزدیک او را ببیند و عیادتش کند». رفیده شخصاً زخم‌خوردگان مسلمان را زیر نظر گرفته و پرستاری می‌کرد. پیغمبر(ص) نیز گاهی از او دیدن می‌فرمود، و احوال او را می‌پرسید» (جزری: ۴۵۳/۵).

نتیجه بحث

پس از مطالعه و بررسی به عمل آمده، اشتغال زنان در جوامع کنونی امری لازم و بلکه با توجه به آیات و روایات گذشته واجب به نظر می‌آید و کار زنان در بیرون از خانه با اسلام و قوانین آن منافاتی نداشته و ندارد، بلکه تأکید اسلام بر کار زنان قابل مشاهده است با این توصیه‌های اکید که رعایت تمام قوانین اسلام در مورد زن باید مورد اجرا قرار گیرد. با توجه به آیات و احادیث مذکور مشخص می‌شود که نقش زن فقط مادری و همسری نبوده، بلکه با انجام این دو نقش مقدس می‌تواند عضو مؤثری در جامعه باشد و فعالانه در جامعه به کار پردازد و در تأمین مایحتاج زندگی هم‌پای شوهر به فعالیت پردازد. بار سنگین زندگی را بر دوش همسر خود سبک‌تر کند، ضمن اینکه تمام شئون دین مقدس اسلام را نیز رعایت کند.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- احمدی، احمد. ۱۳۶۳ش، **اصول و روش‌های تربیت در اسلام**، چ ۱، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- ادیب، علی محمد حسین. بی تا، **راه و روش تربیت از دیدگاه علی(ع)**، ترجمه دکتر سید محمد رادمنش، چ ۴، تهران: مؤسسه انجام کتاب.
- اصفهان‌ی، راغب. **مفردات الفاظ قرآن**، ترجمه مصطفی رحیمی نیا، چ ۱، بی جا: انتشارات سبحان.
- آریان، قمر. ۱۳۸۸ش، **زن در داستان‌های قرآن**، چ ۱، تهران: انتشارات سخن.
- بخاری، ابوعبدالله محمد. بی تا، **صحیح بخاری**، چ ۲، بیروت: دار القلم.
- جزری، ابن اثیر. بی تا، **اسد الغابة**، تهران: انتشارات اسماعیلیان.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۳ش، **زن در آیینه جلال و جمال**، چ ۹، بی جا: مرکز نشر اسراء.
- حجتی، سید مهدی. ۱۳۸۰ش، **زن زیباترین گل آفرینش**، چ ۱، بی جا: نشر بخشایش.
- حجتی، محمد باقر. ۱۳۵۸ش، **اسلام و تعلیم و تربیت**، چ ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حرّ العاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، **وسایل الشیعة**، ج ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ری شهری، محمد. بی تا، **میزان الحکمة**، ترجمه حمیدرضا شیخی، چ ۱، بی جا: انتشارات دار الحدیث.
- طباطبائی قمی، حشمت الواعظین. بی تا، **حجاب مقدّس‌ترین وسیله استحکام**، بی جا: بی نا.
- طباطبائی، محمد حسین. بی تا، **تفسیر المیزان**، ج ۲، ۴، ۶، قم: انتشارات محمدی.
- طباطبائی، محمد حسین. بی تا، **زن در اسلام**، قم: انتشارات محمدی.
- فهمیم کرمانی، مرتضی. بی تا، **چهره زن در آیینه قرآن و تاریخ**، بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قزائتی، محسن. ۱۳۷۷ش، **تفسیر نور**، چ ۲، تهران: چاپخانه سلمان فارسی.
- کلینی، ابی جعفر. بی تا، **اصول کافی**، چ ۴، بی جا: انتشارات علمیه اسلامیة.
- مصطفوی خمینی، فریده، و فاطمه جعفری ورامینی. ۱۳۸۲ش، **زن از منظر اسلام**، چ ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۵۷ش، **نظام حقوق زن در اسلام**، چ ۸، تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۸ش، **تفسیر نمونه**، ج ۲، ۱۵، چ ۱۵، بی جا: چاپخانه مدرسه امیر المؤمنین(ع).

Bibliography

The Holy Quran

Ahmadi, Ahmad 1984, Principles and Methods of Education in Islam, V 1, Isfahan: University Jihad. Adib, Ali Mohammad Hussein. No date, the way and method of education from the point of view of Ali (AS), translated by Dr. Seyyed Mohammad Radmanesh, v 4, Tehran: Book Institute .

Isfahani, Ragheb. Vocabulary of Quranic words, translated by Mustafa Rahiminia, v 1, Bija: Sobhan Publications .

Arian, Qamar. 2009, Woman in Quran Stories, v 1, Tehran: Sokhan Publications .

Bukhari, Abu Abdullah Muhammad. No date, Sahih Bukhari, vol. 2, Beirut: Dar al-Qalam .

Jazri, Ibn Athir. No date, Asad Al-Ghaba, Tehran: Ismailian Publications .

Jawadi Amoli, Abdullah 2004, Woman in the Mirror of Glory and Beauty, v 9, Bija: Esra Publishing Center .

Hojjati, Sayed Mahdi 2001, The most beautiful flower of creation, v 1, Bija: Bakhshayesh Publishing. Hojjati, Mohammad Baqir 1979, Islam and Education, Vol. 1, Tehran: Islamic Culture Publishing Office. Horr Al-Ameli, Mohammad Bin Hasan, 1409 AH, Vasayel Al-Shie, vols.20, 3, 13, 14, Dar Ehya Al-Taras Al-Arabi

Ray Shahri, Muhammad. No date, Mizan Al-Hakama, translated by Hamid Reza Sheikhi, v 1, Bi Ja: Dar Al-Hadith Publications.

Tabatabai Qomi, Heshmat al-Waeizin. No date, hijab is the most sacred means of strength, Bi Ja: Bi Na .

Tabatabai, Muhammad Hussein, no date, Tafsir Al-Mizan, vols. 6, 4, 2, Qom: Mohammadi Publications .

Tabatabai, Muhammad Hussein, no date, Woman in Islam, Qom: Mohammadi Publications .

Fahim Kermani, Morteza. No date, the face of a woman in the mirror of the Quran and history, Bija: Islamic Culture Publishing Office .

Qaraati, Mohsen 1998, Tafsir Noor, Volume 2, Tehran: Salman Farsi Printing House .

Kelini, Abi Jafar. No date, Usul Kafi, vol. 4, Bi Ja: Islamic Theological Publications .

Mostafavi Khomeini, Farideh, and Fatemeh Jafari Varamini. 2003, Woman from the Perspective of Islam, v 1, Qom: Publications of the Office of Islamic Propaganda of the Seminary of Qom .

Motahari, Morteza 1978, The system of women's rights in Islam, v 8, Tehran: Sadra Publications. Makarem Shirazi, Nasser 1999, Sample Interpretation, vol. 15, 2, edition 15, Bija: Printing house of Amir Al-Momenin School.

A study of women's employment from the perspective of Quran and Hadith

Date of Receiving: 4 October, 2019

Date of acceptance: 15 January, 2019

Alireza Lotfi: Department of Islamic Jurisprudence and Law, Islamic Azad University, Khoy Branch, Khoy, Iran. alireza_lotfi2010@yahoo.com

Abstract

Employment in today's societies is undoubtedly a matter of concern and is closely related to the livelihood and family issues of individuals and it is considered one of the most important issues. Women's employment due to the large number of women, or their higher education, as well as women who for many social reasons have taken the burden of their lives and their children, are required to achieve practical ways and based on religious principles relying on religious teachings and divine instructions to organize the employment of women. Therefore, the present article intends to discuss the issue of women's employment according to various verses and hadiths of the Qur'an and the Imams (AS). In order to conduct this research, referring to the Qur'an and books of hadith, and with the approach that the author intends, the subject has been discussed. The results of this study also indicate the fact that the role of women is not only motherhood and marriage, but by performing these two sacred roles, she can be an effective member of society and actively work in society.

Keywords: employment, wife, mother, wife, Quran.